



## سخنرانی در مراسم بیعت هزاران نفر از نمایندگان کارگران سراسر کشور - 5 / تیر / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

دیدار برادران و خواهران عزیز کارگر و مشاهده‌ی احساسات پرشور و ایمان آگاهانه‌ی شما، هر کسی را به یاد محبت و رابطه‌ی قلبی و عمیق امام عزیزمان با قشر کارگر زحمتکش - که ستون اصلی تولید در کشور هستند - می‌اندازد. یکی از ممیزات انقلاب اسلامی ایران این است که کارگران نسبت به انقلاب، وضعیت اختصاصی و استثنایی داشتند. "کارگر" در نظام جمهوری اسلامی، در دو جبهه - که مرجع هر دو یک مبنا بود - چنان حضوری از خود نشان داد که واقعا تاریخی و به‌یادماندنی است. یکی از این دو جبهه، جبهه‌ی کار و تولید و تلاش، و دیگری جبهه‌ی دفاع از انقلاب بود. کارگر انقلابی و مسلمان ما که در طول ده سال گذشته، در جبهه و سنگر کار، اخلاص و از خودگذشتگی و خستگی‌ناپذیری نشان داد، درست با همان انگیزه عمل می‌کرد که در جبهه‌ی جنگ یا در جبهه‌ی دفاع از انقلاب، از خود ایستادگی نشان می‌داد.

وقتی به جنگ نگاه می‌کنیم، نقش کارگران را در آن بارز و روشن می‌بینیم. من بسیاری از اوقات، در میان این عزیزان بسیجی در جبهه‌های جنگ بوده‌ام. وقتی از آنها سؤال می‌کردید که شما چه کسی هستید و از کجا آمده‌اید و شغلتان چیست، می‌دیدید کارگر زحمتکشی است که از شهر و روستا و نقاط دورافتاده‌ی کشور به جبهه آمده است. در اوایل جنگ، وقتی جبهه‌ها ضعیف و خلوت بودند، حضور چند هزار نفری آنها تعیین کننده بود و امداد بزرگی را به نیروهای رزمنده می‌رساند.

از قشرهای مختلف در جنگ شرکت می‌کردند؛ لیکن جبهه‌ها عمدتاً از همین طبقه‌ی زحمتکش و کارگر پر می‌شد. گاهی کارگری با داشتن خانواده و چند سر عایله، زندگی خود را رها می‌کرد و در جبهه‌ی جنگ حضور می‌یافت. نقش این قشر زحمتکش جامعه، که با جسم و سرپنجه‌ی خود تولید را افزایش می‌دهند و نیازهای مردم را تأمین می‌کنند، در همه‌ی صحنه‌های حضور، چشمگیر و پرتحرک است. هیچ‌کس نمی‌تواند منکر این واقعیت شود، مگر این‌که مطلع نباشد.

گاهی در جبهه‌ی دفاع از انقلاب، کارگران ایثارهایی می‌کردند که واقعا انسان از این همه اخلاص شرمنده می‌شد. مثلاً در بحبوحه‌ی جنگ با خبر می‌شدیم که کارگران کارخانه‌ی، بخشی از حقوق خود را به حساب جنگ واریز کرده‌اند! مگر حقوق یک کارگر چه قدر بود که خود را در هزینه‌های جنگ هم سهیم می‌دانست؟! جبهه‌ی کار و تولید نیز همین تحرك را داشت. در ابتدای پیروزی انقلاب، وقتی همه سرگرم کارهای حاد انقلاب بودند و مثل پروانه دور شمع وجود امام عزیز می‌گشتند، در گوشه و کنار کشور، عده‌ی ضدانقلاب و ضد اسلام، درصدد اخلاص در کارخانه‌ها و تشکل منسجم کارگران برآمده بودند. این شبکه‌های جاسوسی، مارکسیستهای امریکایی (!) نام داشتند؛ که برای شناخت آنها، هیچ اسمی بهتر از این اصطلاح نبود. این گروه، هرچند ظاهراً چپ عمل می‌کردند، اما باطنا وابسته به استکبار امریکا بودند. تمام همت آنها این بود که نظام و انسجام انقلاب اسلامی را به هم زنند و از طریق سازماندهی و برنامه‌ریزی نیروهایشان، در کارخانه‌ها اخلاص کنند. هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که ما در آن زمان کاملاً متوجه نقشه‌های آنان شده بودیم.

به خاطر حساسیت اوضاع، روزهای نوزدهم تا بیست و دوم بهمن ماه سال 57 را به اتفاق افراد دیگر در منطقه‌ی کارگری غرب تهران گذراندیم؛ حتی خبر پیروزی انقلاب را از طریق رادیو در همان جا شنیدیم. واقعا نمی‌دانستیم چه اتفاقی خواهد افتاد. در آن روزها خدای متعال دستمان را گرفت و ما را در جایی که باید باشیم، برد. کارگرها در جامعه، یک قشر آگاه محسوب می‌شوند. من این قشر را جزو گروه‌های روشنفکر - به معنای عام آن - می‌دانم. در ابتدای پیروزی انقلاب، مارکسیستهای امریکایی (!) سرمایه‌گذاری روی این قشر را شروع کردند. قصد



آنها این بود که این دست کارآمد و بازوی قوی را از انقلاب بگیرند، و اگر بتوانند، آن را علیه نظام به کار بندند؛ خیلی هم تبلیغات می‌کردند. اگر قرار بود این تبلیغات مؤثر واقع شود، می‌باید حداقل یکی دو سال اول انقلاب، در واحدهای صنعتی کشور بی‌کاری مزمین می‌داشتیم.

در پاسخ به زمینه‌های تبلیغاتی آن روزها، مشت طبقه‌ی کارگر، چنان به دهان دشمنان اسلام و انقلاب خورد که آنها را مایوس و گیج کرد و تا مدتی به سراغ این قشر نیامدند. این روحیه در دنیا کم‌نظیر است. حتی در نظامهای کارگری که صرفاً به اسم کارگر توجه می‌شود، وفاداری به انقلاب، مثل وفاداری کارگران به جمهوری اسلامی نیست. بنابراین، نقش کارگران در کشور ایران، برجسته و ممتاز است.

سعی هم می‌ما باید این باشد که خدا را از خود راضی کنیم. اصلاً برجستگی انقلاب ما به همین نکته است. نظامی که هم می‌قدرتهای بزرگ دنیا و ناتو و مرتجعان منطقه علیه او صف‌آرایی و کارشکنی کرده بودند و قصد نابودیش را داشتند، امروز بحمدالله قویتر و ریشه‌دارتر از گذشته، پابرجا مانده و دشمنانش را به اعتراف واداشته است. هر نظام دیگری به جای جمهوری اسلامی بود، با این همه دشمنی و درگیری، یا از بین رفته بود، و یا در تاریخ فراموش شده بود.

ما از اصول خود دست نکشیدیم و همان حرف حق قوی را که روز اول زدیم، تا آخر زدیم و به فضل پروردگار تا قطره‌ی خونی در رگها و نفسی در کالبد داریم، آن را خواهیم گفت. راز ایستادگی و اقتدار این نظام این است که آحاد آن با خدا رابطه‌ی قلبی و اعتقادی و پیوند ولایتی دارند. مردم ایران ثابت کردند که دشمن نمی‌تواند به آنها طمع ورزد؛ علتش همین ایمان به خدا و کار برای رضای اوست.

در کشورهای گوناگون دنیا، به اسم شما و انقلاب شعار می‌دهند. ما تا چه اندازه توانسته‌ایم با مسلمانهای اروپا و آفریقا و خاورمیانه و شرق آسیا و دیگر کشورهای دنیا رابطه برقرار کنیم که این‌گونه در ضایعه‌ی مصیبت‌بار امام عزیزمان با ما همدردی کردند؟ هیأت ایرانی که به یکی از کشورها رفته بود، مردم آن‌جا دست به گردنشان می‌انداختند و گریه می‌کردند. آیا ما این رابطه را به وجود آوردیم؟ خیر، این رابطه‌ی معنوی و عاطفی و پیوند قلبی را خدا به وجود آورده است.

در قرآن کریم، خطاب به رسول گرامی می‌فرماید: "لوانفقت ما فی الارض جميعا مالفت بین قلوبهم"; اگر هم می‌پولهای دنیا را هم خرج می‌کردی، نمی‌توانستی این قدر دلها را به هم نزدیک کنی. پول نفت که چیزی نیست، در آمد ارزی کشور که به حساب نمی‌آید؛ اگر تمام پولهای دنیا را هم خرج تبلیغات و عوامل تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی و احزاب سیاسی می‌کردیم، نمی‌توانستیم این پیوند عاطفی و قلبی را که امروز از آن بهره‌مندیم، ایجاد کنیم. بنابراین، ارتباط با خداوند متعال، عامل اصلی این پیوند و همبستگی است.

الحمدلله انقلاب اسلامی ده سال از دشوارترین راهها را به خاطر داشتن همین روحیه پشت سر گذاشت. من نسبت به همه‌ی مسایل جاری کشور آگاهم و می‌دانم که دشمن چه مشکلاتی را به وجود آورده و چه سختگیریها و خباثتهایی را اعمال کرده است. شاید بسیاری از چیزهایی که ما می‌دانیم، مردم آنها را ندانند و مطلع نباشند که دشمن چه کارهایی کرده و چه طرحهای عمل‌نشده‌ی داشته است.

در حال حاضر که من به پشت سر نگاه می‌کنم و عملکرد این ده سال را می‌بینم، حقیقتاً حیرت می‌کنم که ما از چه راههایی عبور کرده‌ایم و با چه دره‌ها و پرتگاههایی سختی مواجه بوده‌ایم. خدایا! لحظه‌به‌لحظه بر آن روح پاک، نور و رحمت ببار. چه معجزه‌ی نشان داد، و چه قدر دست او قوی و دلش پرطرفیت بود.

در سخت‌ترین مراحل، به مردم اطمینان فراوان داشت. در یکی از پیامهای خود به مردم فرمود: من شما را خوب می‌شناسم، شما هم من را خوب شناختید. واقعا این‌گونه بود. امام این مردم را خوب شناخته بود و به صفا و وفا و غیرت و شجاعت و صداقتشان واقف بود؛ مردم هم حقا و انصافاً امامشان را خوب شناخته بودند و پاسخ مناسب



به او می‌دادند.

ما در این ده سال و نیم تقریباً در سخت‌ترین شرایط حرکت کردیم و سخت‌ترین گذرگاهها را پشت سر گذاشتیم. نمی‌گوییم همه چیز تمام شده و دشمن ما را رها کرده است؛ خیر، دشمن که از خیانت خود دست برنمی‌دارد؛ می‌خواهم بگویم که بخش سخت‌تر راه را طی کرده‌ایم و بخش آسانتر و راحت‌تر آن پیش روی ماست. یقیناً تحلیل‌گرهای دنیا برای سال دهم و یازدهم انقلاب اسلامی، چنین وضعی را - آن هم با فقدان امام (ره) - پیش‌بینی نمی‌کردند؛ بلکه برعکس، استراتژیستهای سیاسی آمریکا و اروپا، برای امروز ما وضعیت سیاهی را ترسیم می‌کردند. آنها فکر نمی‌کردند در چنین روزی، تا این اندازه با هم متحد باشیم و با قضایای پیش‌آمده، برخوردی قوی کنیم. تصور نمی‌کردند که این ملت بتواند خودش را با سرعت بازیابی کند و تصمیم لازم را بگیرد و راهش را ادامه دهد. پس، وضعیت ما از آنچه که در محاسبات دشمنان و حتی دوستانمان بود، خیلی بهتر است. کسب این موفقیت و سربلندی، پاداش الهی به مجاهدتهای شما ملت وفادار است؛ "والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سلنا و ان الله لمع المحسنين": کسانی که در راه خدا مجاهدت و تلاش می‌کنند، خدا به آنها راه را نشان می‌دهد و در کنار نیکوکاران می‌ماند. ملت ما نیکوکاری کرد، خدا هم با اوست. بعد از این مرحله، وظیفه‌ی ما این است که حفاظت و سلامت انقلاب و رشد روزافزون نظام جمهوری اسلامی و ریشه دواندن هرچه بیشتر این نظام را، با کار مخلصانه و وحدت کلمه و داشتن ارتباط و پیوند قلبی با خدا و اتکالی به نفس تضمین کنیم. با این روش، ما تا دهها سال دیگر به فضل پروردگار خواهیم توانست انقلاب را به پیش ببریم.

ما در اصل، انقلابمان را بر پایه‌ی شکست سیطره‌ی زورگوهایی دنیا پایه‌گذاری کرده‌ایم. اگر بتوانیم - که به فضل پروردگار می‌توانیم - راهمان را همان‌طور که در این ده سال طی کردیم، ادامه دهیم و قوی و هوشمند و باصفا و اخلاص حرکت کنیم، دندان همه‌ی زورگوها و قلدرهای دنیا، با مشت‌های پولادین این ملت شکسته خواهد شد. شما کارگرا نقش مهمی در کشور دارید. بار اصلی تولید روی دوش شماست. قطعاً یکی از وظایف عمده‌ی نظام جمهوری اسلامی این است که این قشر زحمتکش - که بزرگترین حق را در تولید و اداره‌ی اقتصاد کشور دارد - از حق مشروع انسانی و اسلامی خودش برخوردار شود. باید وضع زندگی کارگران از لحاظ مادی و معنوی بهبود پیدا کند. با اجرای قوانین مناسب و توسعه‌ی اشتغال، نباید در جامعه‌ی ما مستمند وجود داشته باشد. کارگران که جزو قشرهای مستضعف جامعه هستند، باید در اولویت برنامه‌ریزیهای توسعه‌ی اقتصادی قرار گیرند. اگر کارگر تأمین بود و نیازهایش برآورده شد، کار بهتر انجام می‌گیرد.

تکلیف الهی ما و مقتضای عدالت اسلامی این است که همه‌ی افراد جامعه - از هر قشری - برخورداریهایی لازم و مناسب شأن انسانی یک مؤمن را داشته باشند و تبعیضها و بهره‌مندیهای ناحقی که در جوامع فاسد دنیا وجود دارد و در جامعه‌ی قبل از انقلاب ما نیز به بدترین شکل وجود داشت و هنوز بقایای آن بکلی از بین نرفته است، برچیده شود.

از جنبه‌ی معنوی نیز کارگر باید احساس کند که بار سنگینی را بر دوش دارد. مسؤولان و مردم باید شأن و اهمیت نقش او را درک کنند و بدانند که کارگر شأن معنوی و انسانی بالایی در جامعه دارد. در نظام ارزشی اسلام، پولدار بودن اصلاً ارزش نیست؛ حتی بسیاری از خصوصیات نفسانی، جزو ارزشها به حساب نمی‌آید؛ اما کارگر بودن - ولو برای خودش کار کند - یک ارزش است، و اگر کار انجام شده، در پیشبرد زندگی جامعه مؤثر باشد، ارزش آن مضاعف خواهد شد؛ به همین خاطر، رسول اکرم (ص) دست کارگر را بوسید. دست کارگر بوسیدن، امتیاز مادی برای کارگر محسوب نمی‌شود؛ اما برای او یک امتیاز معنوی است؛ زیرا شأن کارگر را در جامعه بالا می‌برد. شما کارگران باید توجه داشته باشید که ادامه‌ی حیات شرافتمندانه‌ی ملت عزیز ایران و حفظ و تداوم شعارها و



مواضع باارزش نظام جمهوری اسلامی در مقابل قلدرهای عالم و استکبار جهانی، با کار و تلاش شما میسر است. بایستی این کار را مخلصانه و دلسوزانه و خوب انجام دهید. البته باید مسؤولان دولتی سعی کنند مواد اولیه را برای شما تأمین کنند، تا کارخانجات با همهی ظرفیت و توان خود کار کنند و واحدهای تولیدی جدیدی به وجود آید و نیروهای کار جذب این مراکز شوند.

کارگراها باید این میدان را پیدا کنند که کار خودشان را در خدمت نظام و رونق و حرکت اقتصادی مردم قرار دهند و به بهترین وجه به تولید کالاهای باکیفیت پردازند. از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: "رحم الله امرء عمل عملاً فأتقنه"; یعنی رحمت خدا بر آن آدمی که کار را با محکم کاری انجام دهد. شما باید کار خود را به بهترین وجه عرضه کنید. بدانید که تلاش شما پیش خدا محفوظ است؛ حال آن کارفرمای دولتی و غیر دولتی، تلاش شما را درک نکند یا نکند و پاداش مناسب را بدهد یا ندهد. البته باید تلاش شما را درک کنند و متناسب با آن پاداش بدهند. نفس این محکم کاری، مطلوب خدای متعال است و ما باید این ارزش را در نظر داشته باشیم.

توصیه‌ی آخر من این است که کوشش کنید وحدت را در سطح عموم مردم حفظ کنید. اگر اسلام روی بعضی از قشرها تکیه می‌کند و برای آنها احترام خاصی قایل است - مثل معلمان و عالمان دین و کارگراها و کشاورزها و ... - به آن معنا نیست که اسلام قشرگرایی می‌کند؛ خیر، اسلام با طبقه‌گرایی و قشربازی مخالف است. مؤمنین در تمام خانواده‌ی بزرگ اسلامی با هم برادرند و پیوند آنها، پیوند برادری است. همهی آحاد مردم بایستی این پیوند را در سطح بزرگ جامعه‌ی خودمان، و پس از آن در سطح وسیع امت اسلامی حفظ کنند.

من آینده را بحمدالله آینده‌ی روشنی می‌بینم و امیدهای زیادی را مشاهده می‌کنم و دشمن را نگران و حتی مأیوس احساس می‌کنم. می‌بینم که دوستان آگاه ما در سطح جهان، مسایل را خوب درک می‌کنند و در داخل جامعه‌ی خودمان، افراد مطلع و آگاه، نسبت به آینده‌ی نظام جمهوری اسلامی، بسیار خوشبین و خوشحال و امیدوار هستند. شرطش این است که ما ایمان و تقوای خود را حفظ کنیم و به تفضل الهی اعتقاد داشته باشیم. این، توصیه‌ی همهی پیامبران و اولیا (ع) و صلحاست.

امیدوارم خداوند به همهی ما توفیق دهد، تا رضایت امام عزیزمان را جلب کنیم و روح آن بزرگوار را از روند حرکت خودمان راضی، و قلب مقدس ولی‌عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) را از آنچه که در جامعه می‌گذرد، خشنود و خوشحال سازیم و توفیقات و هدایت و حمایت‌های الهی را به طرف خویش و ملت عزیز ایران جلب کنیم.

والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته